

مدل‌یابی نقش معنویت خانواده در پیش‌بینی تاب‌آوری زناشویی با میانجی‌گری معنا در زندگی و امید رابطه‌ای

مشخصات نویسندگان:

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تبیین کیفی نقش معنویت خانواده در شکل‌گیری تاب‌آوری زناشویی با تمرکز بر سازوکارهای میانجی معنا در زندگی و امید رابطه‌ای در میان زوج‌های ساکن تهران بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. جامعه پژوهش شامل زوج‌های متأهل ساکن شهر تهران بود که تجربه مواجهه با تنش‌های زناشویی، اقتصادی، خانوادگی یا عاطفی را داشتند، اما همچنان رابطه خود را حفظ کرده بودند. مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند و با رعایت تنوع در سن، مدت ازدواج، وضعیت اقتصادی و تعداد فرزندان انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد و فرایند مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. در مجموع، ۲۴ نفر شامل ۱۲ زن و ۱۲ مرد در پژوهش شرکت کردند. مصاحبه‌ها پس از ضبط و پیاده‌سازی، با استفاده از نرم‌افزار NVivo و بر اساس مراحل تحلیل مضمون کدگذاری شدند. برای افزایش اعتبار یافته‌ها از بازبینی مشارکت‌کنندگان، بررسی همتایان، ثبت مسیر تحلیل و درگیری مداوم با داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها به استخراج چهار مقوله اصلی منجر شد: «معنویت خانواده به مثابه نظام معنابخش مشترک»، «معنا در زندگی به عنوان بازتفسیر رنج‌های زناشویی»، «امید رابطه‌ای به عنوان نیروی ترمیم و تداوم» و «تاب‌آوری زناشویی به مثابه بازسازمان‌دهی رابطه پس از بحران». یافته‌ها نشان داد معنویت خانواده نه صرفاً در قالب مناسک دینی، بلکه به صورت تجربه مشترک از ارزش‌های اخلاقی، توکل، گذشت، تعهد، شکرگزاری، همدلی و احساس حضور امر متعالی در زندگی زوجی تجربه می‌شود. این معنویت از طریق تقویت معنا در زندگی و بازآفرینی امید رابطه‌ای، توان زوج‌ها را برای تحمل فشار، کاهش درماندگی، گفت‌وگوی سازنده و بازسازی پیوند عاطفی افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد معنویت خانواده می‌تواند در سطح فرایندی و رابطه‌ای، تاب‌آوری زناشویی را از طریق دو سازوکار کلیدی معنا در زندگی و امید رابطه‌ای تقویت کند. بر این اساس، مداخلات زوج‌درمانی در بافت فرهنگی ایران می‌توانند با حساسیت فرهنگی و بدون تحمیل باور، از ظرفیت‌های معنوی زوج‌ها برای معنابخشی، امیدآفرینی و بازسازی رابطه استفاده کنند.

واژگان کلیدی: معنویت خانواده، تاب‌آوری زناشویی، معنا در زندگی، امید رابطه‌ای، زوج‌ها، تحلیل مضمون، تهران.

۱. رامین نادری*: گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول:
ramin.naderi.clin@gmail.com

شیوه استناددهی: نادری، رامین. (۱۴۰۵). مدل‌یابی نقش معنویت خانواده در پیش‌بینی تاب‌آوری زناشویی با میانجی‌گری معنا در زندگی و امید رابطه‌ای. *پژوهش‌های خانواده و زوج‌درمانی*، ۲(۲)، ۲۵-۳۶.



تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

Modeling the Role of Family Spirituality in Predicting Marital Resilience through the Mediation of Meaning in Life and Relational Hope

Authors' Information:

1. Ramin Naderi*: Department of Clinical Psychology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Corresponding author's email: ramin.naderi.clin@gmail.com

How to cite: Naderi, R. (2026). Modeling the Role of Family Spirituality in Predicting Marital Resilience through the Mediation of Meaning in Life and Relational Hope. *Family Research and Couple Therapy*, 2(2), 25-36.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

Abstract

Objective: This study aimed to qualitatively explain the role of family spirituality in shaping marital resilience through the processual mechanisms of meaning in life and relational hope among married couples in Tehran.

Methods and Materials: This qualitative study was conducted using thematic analysis. The research population consisted of married couples living in Tehran who had experienced marital, economic, familial, or emotional stressors but had continued their relationship. Participants were selected through purposive sampling with attention to diversity in age, length of marriage, socioeconomic status, and number of children. Data were collected through semi-structured interviews and continued until theoretical saturation was achieved. A total of 24 participants, including 12 women and 12 men, participated in the study. Interviews were audio-recorded, transcribed verbatim, and analyzed using NVivo software. Coding and theme development were performed through iterative reading, initial coding, theme construction, review, and refinement. Credibility was enhanced through member checking, peer debriefing, analytic memoing, prolonged engagement with the data, and maintenance of an audit trail.

Findings: Data analysis yielded four main categories: “family spirituality as a shared meaning-making system,” “meaning in life as reinterpretation of marital suffering,” “relational hope as a force for repair and continuity,” and “marital resilience as relational reorganization after crisis.” The findings indicated that family spirituality was experienced not merely as religious ritual, but as a shared relational field of ethical values, trust in God, forgiveness, commitment, gratitude, compassion, and perceived transcendence in marital life. Family spirituality appeared to strengthen marital resilience by helping couples reinterpret adversity, preserve a sense of purpose, imagine a repairable future, and sustain emotional connection despite conflict.

Conclusion: The findings suggest that family spirituality may enhance marital resilience through the intertwined mechanisms of meaning in life and relational hope. Culturally sensitive couple interventions in Iranian contexts may benefit from integrating couples’ spiritual resources to support meaning-making, hope reconstruction, emotional repair, and resilient marital functioning.

Keywords: *family spirituality, marital resilience, meaning in life, relational hope, couples, thematic analysis, Tehran.*

ازدواج در معنای روان‌شناختی و اجتماعی آن صرفاً یک قرارداد میان دو فرد نیست، بلکه نظامی پویا از پیوندهای عاطفی، شناختی، اخلاقی، اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی است که در بستر فشارها و تغییرات زندگی شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. زوجها در مسیر زندگی مشترک با طیفی از چالش‌ها مواجه می‌شوند؛ از مشکلات اقتصادی، تعارض با خانواده‌های مبدأ، تفاوت در سبک‌های ارتباطی و تربیتی، تا فشارهای شغلی، فرزندپروری، بیماری، فقدان، ناامنی اجتماعی و تغییرات ارزشی. آنچه زوجها را از فروپاشی رابطه در برابر این فشارها حفظ می‌کند، فقط نبود تعارض یا شدت پایین مشکلات نیست، بلکه توانایی آن‌ها برای بازسازی رابطه، بازتعریف مشکل، حفظ پیوند عاطفی، تداوم تعهد و یافتن امید در شرایط دشوار است. این ظرفیت در ادبیات روان‌شناسی خانواده با مفهوم «تاب‌آوری زناشویی» قابل فهم است؛ مفهومی که به توان زوج برای تحمل، سازگاری، ترمیم و رشد پس از بحران‌های رابطه‌ای اشاره دارد.

تاب‌آوری در سطح خانواده و زوج، برخلاف برداشت‌های فردمحور، یک ویژگی ثابت شخصیتی نیست، بلکه فرایندی تعاملی و سیستمی است. Walsh تاب‌آوری خانواده را توان نظام خانواده برای ایستادگی و بازگشت از بحران‌ها همراه با تقویت منابع، انسجام و کارکردهای رابطه‌ای تعریف می‌کند و آن را در سه قلمرو اصلی نظام باورها، الگوهای سازمان‌دهی و فرایندهای ارتباطی/حل مسئله توضیح می‌دهد (Walsh, 2003). (2016) در این چارچوب، نظام باورها شامل معنا بخشی به رنج، نگاه مثبت، امید، تعالی و معنویت است. بنابراین، تاب‌آوری زناشویی تنها در مهارت حل مسئله یا تنظیم هیجان خلاصه نمی‌شود، بلکه عمیقاً به چگونگی تفسیر زوجها از رنج، معنا دادن به بحران و حفظ تصویر آینده رابطه وابسته است. زوج‌هایی که بحران را نه صرفاً به‌عنوان نشانه شکست، بلکه به‌عنوان مرحله‌ای دشوار اما قابل عبور در مسیر رشد رابطه تعبیر می‌کنند، احتمالاً توان بیشتری برای بازسازمان‌دهی رابطه و ادامه زندگی مشترک خواهند داشت.

در بافت فرهنگی ایران، معنویت خانواده یکی از منابع مهم معنا بخشی، انسجام، امید و تحمل در زندگی زناشویی است. معنویت خانواده را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، مناسک، تجربه‌های درونی، جهت‌گیری‌های اخلاقی و الگوهای تعاملی دانست که به اعضای خانواده کمک می‌کند زندگی مشترک را در پیوند با امر مقدس، ارزش‌های فراتر از خود، مسئولیت اخلاقی، توکل، گذشت، شکرگزاری، صبر، رحمت و هدفمندی تفسیر کنند. معنویت در این معنا لزوماً به دینداری رسمی یا انجام مناسک محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به‌صورت تجربه مشترک از خیرخواهی، تعهد اخلاقی، مراقبت متقابل، بخشش، امید، و احساس مسئولیت نسبت به پیوند زناشویی ظهور کند Pargament. معنویت را جست‌وجوی امر مقدس می‌داند و نشان می‌دهد که منابع معنوی می‌توانند در فرایند مقابله با فشارهای زندگی نقش معناداری ایفا کنند (Pargament, 2007). (Mahoney) در حوزه خانواده نیز Mahoney با طرح چارچوب معنویت رابطه‌ای نشان می‌دهد که دین و معنویت می‌توانند در شکل‌گیری، حفظ و تحول روابط خانوادگی نقش دوگانه داشته باشند؛ به این معنا که در صورت ادغام سالم در رابطه، می‌توانند منبع تعهد، حمایت، بخشش و معنا باشند، اما در صورت کاربرد خشک، کنترل‌گرانه یا سرزنش‌گرانه ممکن است به تشدید تعارض نیز بینجامند (Mahoney, 2010).

یکی از مسیرهای مهم اثرگذاری معنویت خانواده بر تاب‌آوری زناشویی، تقویت معنا در زندگی است. معنا در زندگی به تجربه فرد از هدفمندی، انسجام و ارزشمندی زندگی اشاره دارد (Steger). و همکاران معنا در زندگی را در دو بعد «حضور معنا» و «جست‌وجوی معنا» بررسی کرده‌اند؛ حضور معنا بیانگر احساس روشن از هدف و اهمیت زندگی است و جست‌وجوی معنا به تلاش فرد برای یافتن یا تعمیق معنا اشاره دارد (Steger, 2006). (Steger et al., 2006). معنا در زندگی زوجی، معنا در زندگی تنها تجربه‌ای فردی نیست، بلکه در پیوند با «معنای رابطه» نیز شکل می‌گیرد. زوجها ممکن است در مواجهه با بحران، از خود بپرسند: «چرا باید ادامه دهیم؟»، «این رابطه برای ما چه ارزشی دارد؟»، «رنج‌های ما در مسیر چه هدفی قرار می‌گیرند؟» و «آیا این پیوند هنوز ارزش ترمیم دارد؟». زمانی که زوجها بتوانند برای دشواری‌های خود معنایی مشترک پیدا کنند، تعارض‌ها کمتر به صورت تهدید وجودی تجربه می‌شوند و بیشتر به عنوان بخشی از مسیر رشد، آزمون تعهد یا فرصتی برای بازنگری رابطه تفسیر می‌گردند. نظریه معنادرمانی Frankl نیز بر این نکته تأکید دارد که انسان حتی در شرایط رنج و محدودیت، می‌تواند از طریق یافتن معنا، ظرفیت تحمل و انتخاب مسئولانه را بازیابد. (Frankl, 1963) این دیدگاه برای فهم روابط زناشویی اهمیت دارد؛ زیرا بسیاری از زوجها نه به دلیل نبود مشکل، بلکه به دلیل فقدان معنا در ادامه رابطه دچار درماندگی می‌شوند. بحران زناشویی زمانی فرساینده‌تر می‌شود که زوجها احساس کنند تلاش‌هایشان بی‌ثمر، رابطه‌شان فاقد هدف و آینده‌شان مسدود است. در مقابل، معنویت خانواده می‌تواند از طریق فراهم کردن یک افق تفسیری وسیع‌تر، به زوجها کمک کند تا رنج‌های رابطه‌ای را در چارچوب ارزش‌هایی مانند وفاداری، مسئولیت، رشد، تربیت فرزند، آرامش خانوادگی، رضایت الهی، گذشت و مراقبت متقابل معنا کنند. این معنا بخشی البته زمانی سازنده است که با کرامت، عدالت و سلامت روان همراه باشد و به تحمل خشونت یا سرکوب نیازهای اساسی منجر نشود.

مسیر دوم اثرگذاری معنویت خانواده بر تاب‌آوری زناشویی، امید رابطه‌ای است. امید در نظریه Snyder یک سازه شناختی - انگیزشی است که از دو مؤلفه اصلی تشکیل می‌شود: عاملیت یا انرژی حرکت به سوی هدف، و مسیرها یا توانایی تصور راه‌های دستیابی به هدف (Snyder, 2002). در بافت زوجی، امید رابطه‌ای به این معناست که زوجها هنوز امکان ترمیم، تغییر، گفت‌وگو و آینده مشترک را قابل تصور می‌دانند. امید رابطه‌ای با خوش‌بینی ساده لوحانه متفاوت است؛ زیرا نه انکار مسئله است و نه نادیده گرفتن درد، بلکه توانایی حفظ جهت‌گیری به سوی آینده‌ای بهتر، همراه با جست‌وجوی راه‌های عملی برای بازسازی رابطه است. زوجی که امید رابطه‌ای دارد، ممکن است بگویند: «مشکل داریم، اما هنوز می‌توانیم راهی پیدا کنیم»؛ در حالی که زوج فاقد امید رابطه‌ای، حتی راهکارهای موجود را بی‌اثر یا بی‌معنا تجربه می‌کند.

معنویت خانواده می‌تواند امید رابطه‌ای را از چند مسیر تقویت کند. نخست، با ایجاد احساس اتکا به منبعی فراتر از توان محدود فردی، زوجها احساس می‌کنند در بحران تنها نیستند. دوم، باورهای معنوی می‌توانند چشم‌انداز بخشش، تغییر و بازگشت را تقویت کنند. سوم، مناسک مشترک مانند دعا، گفت‌وگوی معنوی، شکرگزاری یا مراجعه به ارزش‌های مشترک می‌توانند لحظاتی از آرامش، همدلی و توقف چرخه تعارض ایجاد کنند. چهارم، معنویت می‌تواند رابطه را از سطح مبادله روزمره به سطح تعهد اخلاقی و وجودی ارتقا دهد؛ یعنی زوجها رابطه را صرفاً بر اساس رضایت لحظه‌ای ارزیابی نمی‌کنند، بلکه آن را بخشی از مسیر رشد، مسئولیت و هویت خانوادگی خود می‌بینند. پژوهش‌های حوزه

تاب‌آوری خانواده نیز نشان داده‌اند که باورهای مشترک، امید، معنابخشی و تعالی از عناصر مهم تاب‌آوری در برابر بحران‌ها هستند (Walsh, 2020).

با وجود اهمیت نظری این موضوع، ادبیات موجود غالباً معنویت، معنا، امید و تاب‌آوری را به صورت متغیرهای جداگانه یا در قالب مدل‌های کمی بررسی کرده است. در چنین رویکردهایی، پیچیدگی تجربه زیسته زوجها، زبان درونی آنان، سازوکارهای رابطه‌ای، و زمینه فرهنگی ممکن است کمتر دیده شود. برای نمونه، ممکن است از نظر آماری مشخص شود که معنویت با تاب‌آوری رابطه دارد، اما روشن نشود که زوجها چگونه معنویت را در زندگی روزمره تجربه می‌کنند، چه زمانی معنویت به امید تبدیل می‌شود، چگونه معنا در زندگی مانع فروپاشی رابطه می‌گردد، یا در چه شرایطی معنویت به جای حمایت، به ابزار فشار و سرزنش تبدیل می‌شود. بنابراین، مطالعه کیفی می‌تواند به فهم فرایندی و عمیق‌تر این روابط کمک کند.

در بافت جامعه شهری تهران، زوجها در معرض فشارهای هم‌زمان اقتصادی، شغلی، خانوادگی و فرهنگی قرار دارند. افزایش هزینه‌های زندگی، تغییر انتظارات جنسیتی، فشار خانواده‌های مبدأ، کاهش زمان گفت‌وگو، فرسودگی شغلی و مواجهه با الگوهای متنوع سبک زندگی، تاب‌آوری زناشویی را به مسئله‌ای جدی تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، معنویت خانواده ممکن است یکی از منابع پنهان اما اثرگذار حفظ رابطه باشد؛ منبعی که نه تنها در مناسک آشکار، بلکه در زبان روزمره زوجها، تصمیم‌های اخلاقی، نحوه بخشش، تحمل سختی، معنا دادن به فرزندپروری، و امید به آینده خانوادگی حضور دارد. از این رو، فهم این پدیده مستلزم ورود به روایت زوجها و تحلیل تجربه زیسته آنان است. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد تا مدل مفهومی نقش معنویت خانواده در پیش‌بینی فرایندی تاب‌آوری زناشویی با میانجی‌گری معنا در زندگی و امید رابطه‌ای را تبیین کند. سؤال اصلی پژوهش این بود: زوجها ساکن تهران چگونه نقش معنویت خانواده را در تقویت تاب‌آوری زناشویی تجربه و معنا می‌کنند و معنا در زندگی و امید رابطه‌ای چگونه در این فرایند نقش میانجی دارند؟ این مطالعه می‌کوشد با استخراج مقوله‌های اصلی از روایت‌های زوجها، الگویی فرایندی ارائه دهد که بتواند برای پژوهش‌های بعدی، آموزش خانواده و مداخلات زوج‌درمانی حساس به فرهنگ مورد استفاده قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بر اساس روش تحلیل مضمون انجام شد. با توجه به اینکه هدف پژوهش، فهم عمیق تجربه زوجها از نقش معنویت خانواده در تاب‌آوری زناشویی و تبیین سازوکارهای فرایندی معنا در زندگی و امید رابطه‌ای بود، طرح کیفی برای دستیابی به لایه‌های معنایی، تفسیری و رابطه‌ای پدیده مناسب تشخیص داده شد. در این مطالعه، مفهوم «مدل‌یابی» به معنای ارائه مدل مفهومی برخاسته از داده‌های کیفی است و مفهوم «میانجی‌گری» در معنای آماری آن به کار نرفته، بلکه به سازوکارهایی اشاره دارد که از دید مشارکت‌کنندگان، معنویت خانواده از طریق آن‌ها به تاب‌آوری زناشویی منجر می‌شود. تحلیل داده‌ها با الهام از مراحل تحلیل مضمون Braun و Clarke شامل آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و نگارش گزارش نهایی انجام شد (Braun & Clarke, 2006).

مشارکت‌کنندگان شامل ۲۴ فرد متأهل ساکن شهر تهران بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود عبارت بودند از: داشتن حداقل سه سال سابقه ازدواج، سکونت در تهران، تجربه حداقل یک دوره تنش یا بحران زناشویی، تمایل به بیان تجربه‌های شخصی، و توانایی مشارکت در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته. معیارهای خروج شامل تمایل نداشتن به ادامه مصاحبه، وجود بحران حاد خشونت خانگی در زمان مصاحبه، و ناتوانی در ارائه روایت منسجم از تجربه زندگی مشترک بود. برای افزایش غنای داده‌ها، تلاش شد مشارکت‌کنندگان از نظر جنسیت، سن، مدت ازدواج، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و تعداد فرزندان تنوع داشته باشند. نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که پس از مصاحبه بیست‌ودوم، کد جدید قابل توجهی ظاهر نشد و دو مصاحبه دیگر برای اطمینان از کفایت داده‌ها انجام شد. در نهایت، ۲۴ نفر شامل ۱۲ زن و ۱۲ مرد در پژوهش مشارکت کردند.

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. راهنمای مصاحبه بر اساس ادبیات نظری تاب‌آوری خانواده، معنویت خانواده، معنا در زندگی و امید رابطه‌ای طراحی و پس از بررسی توسط دو متخصص مشاوره خانواده و یک پژوهشگر کیفی اصلاح شد. مصاحبه‌ها با پرسش‌های باز آغاز می‌شد؛ مانند: «وقتی زندگی مشترک شما با فشار یا بحران روبه‌رو می‌شود، چه چیزهایی به ادامه رابطه کمک می‌کند؟»، «معنویت یا باورهای معنوی در خانواده شما چه نقشی دارد؟»، «آیا تا به حال احساس کرده‌اید که معنویت به شما کمک کرده برای سختی‌های زندگی مشترک معنا پیدا کنید؟»، «امید به بهتر شدن رابطه چگونه در زندگی شما شکل می‌گیرد یا از بین می‌رود؟» و «چه عواملی باعث می‌شود پس از تعارض دوباره به رابطه برگردید؟». پرسش‌های پیگیری برای روشن‌تر شدن تجربه‌ها، مثال‌های عینی، احساسات، معانی و پیامدهای رابطه‌ای مطرح می‌شد. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه بود. با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط و سپس به‌صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شد.

تحلیل داده‌ها هم‌زمان با فرایند گردآوری داده‌ها انجام شد. در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد تا آشنایی عمیق با داده‌ها حاصل شود. سپس واحدهای معنایی مرتبط با تجربه معنویت خانواده، معنابخشی، امید رابطه‌ای و تاب‌آوری زناشویی استخراج و کدگذاری اولیه شد. در مرحله بعد، کدهای مشابه در خوشه‌های مفهومی قرار گرفتند و مضامین فرعی شکل گرفتند. سپس مضامین فرعی با یکدیگر مقایسه و در قالب مقوله‌های اصلی سازمان‌دهی شدند. برای مدیریت، ذخیره، بازیابی و مقایسه کدها از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. در طول تحلیل، یادداشت‌های تحلیلی برای ثبت تصمیم‌های تفسیری، تغییرات کدگذاری و ارتباط میان مقوله‌ها نوشته شد. اعتبار پژوهش از طریق بازبینی مشارکت‌کنندگان، بررسی همتایان، مقایسه مداوم داده‌ها، حفظ مسیر ممیزی و توصیف غنی زمینه پژوهش تقویت شد. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، مشارکت در پژوهش داوطلبانه بود، امکان خروج در هر مرحله وجود داشت، نام واقعی مشارکت‌کنندگان حذف شد و داده‌ها با کدهای ناشناس مانند «زن، ۳۸ ساله» یا «مرد، ۴۴ ساله» گزارش شدند.

یافته‌ها

در این مطالعه ۲۴ نفر از زوج‌های متأهل ساکن شهر تهران شرکت کردند که شامل ۱۲ زن و ۱۲ مرد بودند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۲۹ تا ۵۴ سال بود. از نظر مدت ازدواج، ۶ نفر بین ۳ تا ۷ سال، ۹ نفر بین ۸ تا ۱۵ سال و ۹ نفر بیش از ۱۵ سال سابقه زندگی مشترک داشتند.

از نظر سطح تحصیلات، ۴ نفر دارای تحصیلات دیپلم یا فوق‌دیپلم، ۱۰ نفر دارای مدرک کارشناسی، ۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳ نفر دارای مدرک دکتری بودند. از نظر وضعیت اشتغال، ۱۶ نفر شاغل، ۵ نفر خانه‌دار و ۳ نفر دارای شغل آزاد ناپایدار بودند. همچنین ۷ نفر بدون فرزند، ۱۱ نفر دارای یک فرزند و ۶ نفر دارای دو فرزند یا بیشتر بودند. از نظر تجربه بحران زناشویی، بیشترین موارد گزارش شده شامل فشار اقتصادی، تعارض با خانواده همسر، فرسودگی ناشی از مسئولیت‌های والدگری، کاهش گفت‌وگوی عاطفی و دوره‌هایی از ناامیدی نسبت به آینده رابطه بود.

نخستین مقوله اصلی نشان داد که مشارکت‌کنندگان معنویت خانواده را صرفاً به انجام مناسک دینی محدود نمی‌دانستند، بلکه آن را نوعی «فضای اخلاقی و معنایی مشترک» توصیف می‌کردند که در آن رابطه زناشویی در پیوند با ارزش‌هایی فراتر از خواسته‌های فردی فهم می‌شود. در روایت زوجها، معنویت با مفاهیمی مانند توکل، انصاف، گذشت، شکرگزاری، صبر، حرمت رابطه، توجه به آرامش خانواده و مسئولیت در برابر خداوند یا وجدان اخلاقی همراه بود. برخی مشارکت‌کنندگان بیان کردند که زمانی که تعارض شدت می‌گیرد، بازگشت به این ارزش‌های مشترک مانع از تخریب رابطه می‌شود. یک زن ۳۷ ساله گفت: «وقتی خیلی عصبانی می‌شوم، یک چیزی در ذهنم می‌آید که این زندگی فقط دعوای امروز نیست؛ ما یک امانت داریم، یک خانواده داریم که باید مراقبش باشیم.» یک مرد ۴۲ ساله نیز بیان کرد: «برای من معنویت یعنی وسط ناراحتی هم یادت باشد طرف مقابلت دشمن تو نیست. شاید اشتباه کرده، ولی هنوز همسر دوست و حرمت دارد.» این مقوله نشان داد که معنویت خانواده نوعی چارچوب تفسیری فراهم می‌کند که زوجها از طریق آن تعارض را درون یک افق بزرگ‌تر از تعهد، اخلاق و هدف مشترک قرار می‌دهند.

دومین مقوله بیانگر آن بود که معنویت خانواده از طریق تقویت معنا در زندگی، به زوجها کمک می‌کند رنج‌های زناشویی را کمتر به صورت شکست مطلق و بیشتر به صورت بخشی از مسیر رشد، بلوغ و مسئولیت مشترک تجربه کنند. مشارکت‌کنندگان بارها اشاره کردند که اگر سختی‌های زندگی مشترک برایشان «بی‌معنا» شود، تحمل آن بسیار دشوارتر خواهد بود. اما زمانی که بتوانند رنج را در چارچوب رشد رابطه، تربیت فرزند، حفظ خانواده، یادگیری صبر، یا نزدیک‌تر شدن به ارزش‌های عمیق‌تر تفسیر کنند، احساس درماندگی کاهش می‌یابد. یک زن ۴۵ ساله گفت: «چند سال اول فکر می‌کردم این همه سختی یعنی ازدواجم اشتباه بوده. بعد کم‌کم فهمیدم شاید این سختی‌ها دارد ما را عوض می‌کند، پخته‌تر می‌کند. وقتی معنا پیدا کرد، دیگر فقط درد نبود.» یک مرد ۳۹ ساله نیز اظهار کرد: «اگر فکر کنم فقط دارم تحمل می‌کنم، خسته می‌شوم؛ اما وقتی می‌بینم این تلاش برای آرامش خانواده و آینده بچه‌ام است، انرژی می‌گیرم.» این یافته نشان داد که معنا در زندگی در نقش سازوکار میانجی، تجربه بحران را از «بن‌بست رابطه» به «مسیر قابل فهم و قابل تحمل» تبدیل می‌کند.

سومین مقوله نشان داد که امید رابطه‌ای یکی از مهم‌ترین حلقه‌های پیوند میان معنویت خانواده و تاب‌آوری زناشویی است. مشارکت‌کنندگان تاب‌آوری را زمانی ممکن می‌دانستند که هنوز روزه‌ای برای تغییر، گفت‌وگو، ترمیم و آینده مشترک وجود داشته باشد. در روایت‌ها، امید رابطه‌ای به شکل باور به امکان بهتر شدن همسر، امکان تغییر الگوهای ارتباطی، امکان بخشش، و امکان شروع دوباره پس از تعارض توصیف شد. یک مرد ۴۷ ساله گفت: «خیلی وقت‌ها ما به آخر خط رسیده بودیم، ولی یک امیدی بود که شاید خدا راهی باز کند، شاید اگر من یک

قدم عقب‌تر بروم، او هم آرام‌تر شود.» یک زن ۳۳ ساله بیان کرد: «امید برای من یعنی هنوز بتوانم آینده‌ای را ببینم که در آن با هم حرف می‌زنیم، نه اینکه فقط همدیگر را تحمل کنیم.» مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که معنویت از طریق دعا، آرام‌سازی هیجانی، یادآوری ارزش رابطه و باور به امکان تحول، امید را زنده نگه می‌دارد. در نتیجه، امید رابطه‌ای نه یک احساس منفعل، بلکه نیرویی فعال برای جست‌وجوی راه‌حل، مراجعه به مشاور، شروع گفت‌وگو، عذرخواهی و بازسازی پیوند عاطفی بود.

چهارمین مقوله اصلی نشان داد که تاب‌آوری زناشویی از دید مشارکت‌کنندگان به معنای بازگشت ساده به وضعیت قبل از بحران نبود، بلکه نوعی بازسازمان‌دهی رابطه پس از تجربه فشار محسوب می‌شد. زوج‌های تاب‌آور بیان کردند که پس از عبور از بحران، برخی مرزها، انتظارات، سبک گفت‌وگو، نقش‌ها و الگوهای حمایت در رابطه تغییر کرده است. در این فرایند، معنویت خانواده به‌عنوان منبع جهت‌دهنده، معنا در زندگی به‌عنوان منبع تحمل و امید رابطه‌ای به‌عنوان منبع حرکت به سوی آینده عمل می‌کرد. یک زن ۴۱ ساله گفت: «بعد از آن بحران، ما همان آدم‌های قبل نشدیم. یاد گرفتیم زودتر حرف بزنیم، کمتر تحقیر کنیم، بیشتر دعا کنیم و بیشتر قدر هم را بدانیم.» یک مرد ۵۰ ساله نیز بیان کرد: «تاب‌آوری یعنی وقتی زمین خوردی، رابطه‌ات را دوباره بسازی؛ شاید حتی بهتر از قبل. ما بعد از بحران مالی فهمیدیم باید بیشتر با هم باشیم، نه روبه‌روی هم.» این مقوله نشان داد که تاب‌آوری زناشویی یک فرایند پویا، مرحله‌ای و رابطه‌ای است که از تعامل میان باورهای معنوی، معنابخشی، امید و رفتارهای ترمیمی شکل می‌گیرد.

بر اساس تحلیل داده‌ها، مدل مفهومی پژوهش نشان می‌دهد که معنویت خانواده در سطح نخست، نظامی از باورها و ارزش‌های مشترک ایجاد می‌کند که به زوجها کمک می‌کند بحران را در افق اخلاقی و معنایی وسیع‌تری تفسیر کنند. این نظام معنوی از طریق دو سازوکار فرایندی عمل می‌کند: نخست، «معنا در زندگی» که موجب بازتفسیر رنج، کاهش احساس پوچی و افزایش هدفمندی تلاش‌های زناشویی می‌شود؛ دوم، «امید رابطه‌ای» که امکان آینده مشترک، ترمیم، تغییر و گفت‌وگوی دوباره را حفظ می‌کند. پیامد نهایی این فرایند، تاب‌آوری زناشویی است که در قالب تحمل فشار، کاهش درماندگی، بازگشت به گفت‌وگو، بازسازی اعتماد، تنظیم هیجان و بازسازمان‌دهی نقش‌ها و مرزهای رابطه ظاهر می‌شود. بنابراین، معنا و امید در این مدل، حلقه‌های واسطی هستند که معنویت خانواده را از سطح باور و ارزش به سطح کنش رابطه‌ای و سازگاری زناشویی منتقل می‌کنند.

بحث

هدف پژوهش حاضر، تبیین کیفی نقش معنویت خانواده در پیش‌بینی فرایندی تاب‌آوری زناشویی با میانجی‌گری معنا در زندگی و امید رابطه‌ای بود. یافته‌ها نشان داد که معنویت خانواده در تجربه زوج‌های مشارکت‌کننده، پدیده‌ای چندبعدی و رابطه‌ای است که از سطح باورهای فردی فراتر می‌رود و به نظام مشترکی از ارزش‌ها، معناها، مناسک، تعهدات اخلاقی و شیوه‌های مواجهه با بحران تبدیل می‌شود. این یافته با چارچوب تاب‌آوری خانواده Walsh همسو است که نظام باورها، معنابخشی به دشواری، چشم‌انداز مثبت، امید و تعالی/معنویت را از عناصر کلیدی تاب‌آوری خانواده می‌داند (Walsh, 2003, 2016). بر این اساس، تاب‌آوری زناشویی نه صرفاً محصول مهارت‌های ارتباطی یا کاهش تعارض، بلکه نتیجه نحوه تفسیر زوجها از بحران و توان آنان برای تبدیل فشار به تجربه‌ای قابل فهم و قابل مدیریت است. در پژوهش حاضر، زوج‌هایی

که معنویت را به‌صورت اخلاق رابطه‌ای، حرمت همسر، توکل، بخشش و مسئولیت مشترک تجربه می‌کردند، توان بیشتری برای جلوگیری از تخریب رابطه و بازگشت به گفت‌وگو نشان می‌دادند.

مقوله نخست، یعنی «معنویت خانواده به‌مثابه نظام معنا بخش مشترک»، نشان داد که معنویت در خانواده زمانی نقش تاب‌آورانه پیدا می‌کند که از سطح شعار یا مناسک فردی فراتر رود و به زبان مشترک رابطه تبدیل شود. این یافته با دیدگاه Pargament درباره معنویت به‌عنوان جست‌وجوی امر مقدس و استفاده از منابع معنوی برای مقابله با فشارهای زندگی همخوان است. (Pargament, 2007) همچنین با چارچوب معنویت رابطه‌ای Mahoney هماهنگ است که نشان می‌دهد دین و معنویت می‌توانند از طریق ارزش‌های مشترک، تقدس‌بخشی به رابطه، تعهد اخلاقی و فرایندهای بخشش و ترمیم، بر کیفیت روابط خانوادگی اثر بگذارند. (Mahoney, 2010) باین‌حال، یافته‌های حاضر نشان داد که اثر معنویت به کیفیت کاربرد آن بستگی دارد. معنویتی که با همدلی، انصاف و مسئولیت همراه است، می‌تواند محافظ رابطه باشد؛ اما معنویتی که به شکل سرزنش، اجبار یا نادیده‌گرفتن رنج یکی از زوجین به کار رود، ممکن است تاب‌آوری واقعی را تضعیف کند. بنابراین، معنویت خانواده در معنای سالم آن، نه ابزار خاموش کردن تعارض، بلکه چارچوبی برای مواجهه اخلاقی‌تر با تعارض است.

مقوله دوم، یعنی «معنا در زندگی به‌عنوان بازتفسیر رنج‌های زناشویی»، نشان داد که یکی از مهم‌ترین مسیرهای اثرگذاری معنویت خانواده بر تاب‌آوری زناشویی، تبدیل رنج رابطه‌ای به تجربه‌ای معنادار است. مشارکت‌کنندگان بیان کردند که دشواری‌های زناشویی زمانی فرساینده‌تر می‌شود که بی‌هدف، بی‌پایان و بی‌معنا تجربه شود. در مقابل، زمانی که زوجها بتوانند سختی‌ها را در چارچوب رشد، تعهد، تربیت فرزند، مسئولیت اخلاقی یا بلوغ رابطه معنا کنند، تحمل روانی آن افزایش می‌یابد. این یافته با دیدگاه Frankl همخوان است که معنا را یکی از منابع اصلی تحمل رنج و انتخاب مسئولانه در شرایط دشوار می‌داند. (Frankl, 1963) همچنین با پژوهش‌های مربوط به معنا در زندگی هماهنگ است که حضور معنا را با انسجام روانی، هدفمندی و سازگاری بهتر مرتبط می‌دانند. (Steger et al., 2006) در بافت زناشویی، معنا در زندگی به زوج کمک می‌کند از تفسیرهای فاجعه‌ساز مانند «همه چیز تمام شده» یا «این رابطه هیچ ارزشی ندارد» فاصله بگیرد و امکان بازنگری، یادگیری و ترمیم را ببیند.

مقوله سوم، یعنی «امید رابطه‌ای به‌عنوان نیروی ترمیم و تداوم»، نشان داد که امید، حلقه‌ای حیاتی در فرایند تاب‌آوری زناشویی است. بر اساس نظریه امید Snyder، امید شامل توانایی تصور هدف، باور به امکان حرکت و یافتن مسیرهای رسیدن به هدف است. (Snyder, 2002) یافته‌های حاضر نشان داد که در زندگی زوجی، امید رابطه‌ای زمانی شکل می‌گیرد که زوجها هنوز بتوانند آینده‌ای قابل ترمیم برای رابطه تصور کنند و راه‌هایی برای رسیدن به آن بیابند. این امید با خوش‌بینی سطحی تفاوت دارد؛ زیرا مشارکت‌کنندگان مشکلات را انکار نمی‌کردند، بلکه در عین آگاهی از رنج، امکان تغییر را حفظ می‌کردند. معنویت خانواده از طریق توکل، دعا، یادآوری ارزش رابطه، بخشش و باور به امکان تحول، این امید را تغذیه می‌کرد. این یافته با مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند معنویت می‌تواند از طریق تقویت امید، سازگاری و تاب‌آوری را افزایش دهد. (Krok, 2021; Walsh, 2020) در واقع، امید رابطه‌ای به زوجها اجازه می‌دهد که از چرخه ناامیدی، اجتناب و کناره‌گیری خارج شوند و به سمت اقدام‌های ترمیمی مانند گفت‌وگو، عذرخواهی، کمک‌گرفتن و بازتعریف نقش‌ها حرکت کنند.

مقوله چهارم، یعنی «تاب‌آوری زناشویی به‌مثابه بازسازمان‌دهی رابطه پس از بحران»، نشان داد که تاب‌آوری در تجربه زوجها به معنای بازگشت کامل به وضعیت قبلی نبود، بلکه نوعی بازسازی رابطه در سطح شناختی، عاطفی و رفتاری بود. زوج‌های مشارکت‌کننده توضیح دادند که پس از بحران، رابطه آنان از نظر مرزها، شیوه گفت‌وگو، توزیع مسئولیت، انتظارات و ارزش‌گذاری نسبت به یکدیگر تغییر کرده است. این یافته با دیدگاه سیستمی Walsh همسو است که تاب‌آوری خانواده را فرایندی پویا و تحول‌محور می‌داند، نه صرفاً مقاومت منفعل در برابر بحران (Walsh, 2016). در این پژوهش، تاب‌آوری زناشویی در قالب تحمل فشار، کاهش درماندگی، بازگشت به تعامل، بازسازی اعتماد، انعطاف نقش‌ها و توانایی شروع دوباره ظاهر شد. بنابراین، تاب‌آوری زناشویی یک پیامد نهایی ساده نیست، بلکه حاصل تعامل چندلایه میان باورهای معنوی، معنابخشی، امید، ارتباط و اقدام ترمیمی است.

از منظر تبیینی، یافته‌ها نشان می‌دهد که معنویت خانواده ابتدا در سطح تفسیر بحران عمل می‌کند؛ یعنی به زوجها کمک می‌کند مسئله را در چارچوبی بزرگ‌تر از خشم لحظه‌ای یا ناکامی روزمره ببینند. سپس این چارچوب معنوی از طریق معنا در زندگی، رنج را قابل فهم و قابل تحمل می‌کند. در مرحله بعد، امید رابطه‌ای فعال می‌شود و امکان آینده مشترک را زنده نگه می‌دارد. سرانجام، این امید به رفتارهای تاب‌آورانه مانند گفت‌وگو، صبر فعال، بخشش، حل مسئله، مراجعه به مشاور، تنظیم هیجان و بازسازی اعتماد تبدیل می‌شود. این مدل با ادبیات معنابخشی، امید و تاب‌آوری همخوان است و نشان می‌دهد که نقش معنویت در رابطه زناشویی صرفاً عاطفی یا اعتقادی نیست، بلکه فرایندی شناختی، انگیزشی و رفتاری را فعال می‌کند.

از نظر فرهنگی، یافته‌های پژوهش حاضر برای جامعه ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، معنویت و باورهای دینی/اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، تحمل فشار، تعریف تعهد، تربیت فرزند و حل تعارض حضور دارد. با این حال، کاربرد بالینی این ظرفیت نیازمند حساسیت و دقت است. درمانگر نباید معنویت را به زوج تحمیل کند یا از آن برای توصیه به تحمل نابرابری، خشونت یا رنج آسیب‌زا استفاده کند. بلکه باید به شیوه‌ای مشارکتی، منابع معنوی سالم، انتخابی و معنادار زوج را شناسایی کند؛ منابعی که کرامت، امنیت، عدالت، امید و مسئولیت متقابل را تقویت می‌کنند. در چنین چارچوبی، معنویت خانواده می‌تواند به بخشی از مداخله زوج‌درمانی تبدیل شود که هدف آن افزایش معنا، امید و توان ترمیم رابطه است.

این پژوهش با وجود ارائه فهمی عمیق از تجربه زوجها، محدودیت‌هایی دارد. نخست، مشارکت‌کنندگان فقط از شهر تهران انتخاب شدند و بنابراین یافته‌ها الزاماً قابل تعمیم به زوج‌های ساکن شهرهای کوچک، مناطق روستایی یا بافت‌های فرهنگی متفاوت نیست. دوم، داده‌ها بر اساس خودگزارش‌دهی مشارکت‌کنندگان گردآوری شد و ممکن است تحت تأثیر مطلوبیت اجتماعی، ملاحظات فرهنگی یا تمایل به ارائه تصویری مثبت از رابطه قرار گرفته باشد. سوم، به دلیل حساسیت موضوع معنویت و تعارض زناشویی، برخی مشارکت‌کنندگان ممکن است تجربه‌های آسیب‌زا، خشونت پنهان یا ناکامی‌های عمیق رابطه‌ای را به‌طور کامل بیان نکرده باشند. چهارم، از آنجا که پژوهش کیفی است، مفاهیمی مانند پیش‌بینی و میانجی‌گری در این مطالعه به معنای آماری به کار نرفته و مدل ارائه‌شده نیازمند آزمون کمی در پژوهش‌های بعدی است.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، مدل مفهومی به‌دست‌آمده از این مطالعه با روش‌های کمی، به‌ویژه مدل‌یابی معادلات ساختاری، در نمونه‌های بزرگ‌تر از زوجها آزمون شود تا نقش میانجی معنا در زندگی و امید رابطه‌ای به‌صورت آماری بررسی گردد. همچنین انجام مطالعات مقایسه‌ای میان زوج‌های دارای سطوح مختلف دینداری، معنویت، مدت ازدواج و تجربه بحران می‌تواند به روشن‌تر شدن شرایط اثرگذاری معنویت خانواده کمک کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند نقش جنسیت، سبک دلبستگی، کیفیت ارتباط، بخشش زناشویی، حمایت اجتماعی و تعارض با خانواده‌های مبدأ را نیز در مدل بررسی کنند. علاوه بر این، انجام مطالعات طولی می‌تواند نشان دهد که معنا و امید چگونه در طول زمان و در مراحل مختلف بحران زناشویی تغییر می‌کنند.

در حوزه مشاوره و زوج‌درمانی، پیشنهاد می‌شود درمانگران خانواده در ارزیابی اولیه، منابع معنوی و ارزشی زوجها را به‌صورت غیرتحمیلی و حساس به فرهنگ بررسی کنند. مداخلات می‌توانند شامل گفت‌وگو درباره معنای رابطه، بازتعریف رنج‌های زناشویی، شناسایی ارزش‌های مشترک، تقویت شکرگزاری، تمرین بخشش سالم، بازسازی امید رابطه‌ای و طراحی گام‌های عملی برای ترمیم رابطه باشند. همچنین در برنامه‌های آموزش خانواده، می‌توان بر تمایز میان معنویت حمایتگر و معنویت آسیب‌زا تأکید کرد؛ به این معنا که معنویت سالم باید موجب افزایش کرامت، عدالت، امنیت عاطفی، مسئولیت‌پذیری و گفت‌وگوی سازنده شود، نه سرکوب تعارض یا تحمل آسیب. مراکز مشاوره می‌توانند بسته‌های مداخله‌ای مبتنی بر معنا، امید و تاب‌آوری زناشویی را برای زوجها در معرض بحران طراحی و ارزیابی کنند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که معنویت خانواده در تجربه زوجها مشارکت‌کننده، نقشی مهم در شکل‌گیری تاب‌آوری زناشویی دارد. این نقش نه به‌صورت مستقیم و ساده، بلکه از طریق دو سازوکار فرایندی و میانجی یعنی معنا در زندگی و امید رابطه‌ای عمل می‌کند. معنویت خانواده با فراهم‌کردن نظامی از ارزش‌ها، باورها و جهت‌گیری‌های اخلاقی، به زوجها کمک می‌کند بحران را در افقی بزرگ‌تر و قابل فهم‌تر تفسیر کنند. معنا در زندگی موجب می‌شود رنج‌های زناشویی از حالت پوچ، بی‌پایان و فرساینده خارج شوند و در چارچوب رشد، مسئولیت، تعهد و هدف مشترک فهم شوند. امید رابطه‌ای نیز امکان ترمیم، تغییر و آینده مشترک را زنده نگه می‌دارد و زوجها را به سوی رفتارهای بازسازنده سوق می‌دهد. بنابراین، تاب‌آوری زناشویی حاصل تعامل پویای معنویت، معنا، امید و کنش رابطه‌ای است. بر اساس این یافته‌ها، رویکردهای مشاوره‌ای و آموزشی در حوزه خانواده می‌توانند با بهره‌گیری حساس، اخلاقی و غیرتحمیلی از منابع معنوی زوجها، زمینه تقویت معنا، امید و تاب‌آوری در زندگی مشترک را فراهم کنند.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

از همه افرادی که در این پژوهش به ما یاری رساندند سپاسگزاری به عمل می‌آید.

References

- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- David, P., & Stafford, L. (2015). A relational approach to religion and spirituality in marriage: The role of couples' religious communication in marital satisfaction. *Journal of Family Issues*, 36(2), 232–249. <https://doi.org/10.1177/0192513X13485922>
- Frankl, V. E. (1963). *Man's search for meaning: An introduction to logotherapy*. Washington Square Press.
- Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability. *Field Methods*, 18(1), 59–82. <https://doi.org/10.1177/1525822X05279903>
- Krok, D. (2021). The religious meaning system and resilience in spouse caregivers of cancer patients: A moderated mediation model of hope and affect. *Journal of Religion and Health*, 60, 296–311. <https://doi.org/10.1007/s10943-020-01031-4>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage.
- Mahoney, A. (2010). Religion in families, 1999–2009: A relational spirituality framework. *Journal of Marriage and Family*, 72(4), 805–827. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00732.x>
- Pargament, K. I. (2007). *Spiritually integrated psychotherapy: Understanding and addressing the sacred*. Guilford Press.
- Snyder, C. R. (2002). Hope theory: Rainbows in the mind. *Psychological Inquiry*, 13(4), 249–275. https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1304_01
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The Meaning in Life Questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80–93. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.53.1.80>
- Walsh, F. (2003). Family resilience: A framework for clinical practice. *Family Process*, 42(1), 1–18. <https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2003.00001.x>
- Walsh, F. (2016). *Strengthening family resilience* (3rd ed.). Guilford Press.
- Walsh, F. (2020). Loss and resilience in the time of COVID-19: Meaning making, hope, and transcendence. *Family Process*, 59(3), 898–911. <https://doi.org/10.1111/famp.12588>